

پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران

۱. نسترن زرگری: دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. خیرالله پروین\*: استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. پست الکترونیک: [Khparvin@ut.ac.ir](mailto:Khparvin@ut.ac.ir) (نویسنده مسئول)

۳. فیروز اصلانی: دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. حسین آئینه‌نگینی: استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

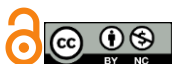
### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران انجام شد. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بود که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و قوانین، مقررات و اسناد حقوقی انجام شد. در طی سه مبحث و شش گفتار امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده از دیدگاه فقهی و حقوقی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران، تأکید بر ضرورت یکپارچگی این مقولات در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی دارد. این امر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کنونی کمک می‌کند، بلکه به تأمین آینده‌ای پایدار و امن برای نسل‌های آینده نیز منجر خواهد شد. بنابراین، ایجاد یک چارچوب قانونی و فقهی جامع و هماهنگ در این زمینه، می‌تواند به عنوان یک گام اساسی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار و حفظ حقوق بشر در ایران محسوب شود.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت انسانی، امنیت اجتماعی، حقوق نسل‌های آینده، فقه، حقوق، ایران.

زرگری، نسترن، پروین، خیرالله، اصلانی، فیروز، و آئینه‌نگینی، حسین. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۳)، ۱۹۲-۱۶۸.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



یکی از مباحث عدالت بین نسلی، حقوق نسل‌های آینده است که به موجب آن مواهب الهی که از نسل قبل به نسل فعلی به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل گردد و هر نسلی حق استفاده از مواهب الهی را دارد بدین معنا که طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد (کرمی پور و ساریخانی، ۱۴۰۰). یکی از مهم‌ترین حقوق نسل‌های آینده امنیت می‌باشد. امنیت یک نیاز اولیه، اساسی و هدفی متعالی برای زندگی اجتماعی است. امنیت اجتماعی نیز جزء اصلی حقوق شهروندی می‌باشد. امنیت اجتماعی در تعامل فرد با جامعه و در دو سطح عینی و ذهنی تجلی می‌یابد. شاخص امنیت اجتماعی به حوزه‌های فکری، جانی، اقتصادی، روانی، زیستی، بهداشتی، اخلاقی، شهری و... تقسیم و تفکیک می‌شود. امنیت اجتماعی عبارت است از اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحولات عمدی (مانند کوچاندن هوشمند یک قوم) و تحولات عادی (مانند زلزله یا گسست نسلی). بر اساس این تعریف، موضوع امنیت اجتماعی در ایران فقط گروه نیست بلکه فرد نیز به عنوان عضو گروه و مولفه سازنده جامعه در شمول امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنین افراد و گروه‌ها، هم دغدغه موجودیت خود را دارند و هم نگران هویت و انسجام جمعی خود می‌باشند (افشار، ۱۳۹۴). از طرفی دیگر امنیت در لغت به معنای ایجاد محیطی امن بوده و امنیت انسانی به معنای تأمین محیطی امن برای همه شهروندان است. اما در تعاریف متعدد از امنیت انسانی، اهداف مشترک برای آن برشمرده شده که شامل محافظت از هسته حیاتی همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع است، به نحوی که با شکوفایی و کمال بلندمدت آدمی سازگاری داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۹). باتوجه به اینکه نظام حقوقی کشور ایران بر پایه فقه اسلامی شکل گرفته است، مطالب بیان شده در مورد مسئولیت تأمین امنیت انسانی در قانون اساسی کشور نیز تصریح شده و در مقدمه قانون اساسی با سرآغازی از حقوق زن و خانواده بدان پرداخته شده است. در این مقدمه چنین عنوان گردیده که تمامی قوانین جزئی کشور می‌بایست در راستای حمایت از حقوق زنان بوده و این حمایت با این هدف است که زن مهد پرورش علم و فرهنگ بوده با حمایت از آن، در واقع گام نخست در جهت تأمین امنیت انسانی برداشته شده است. در ادامه مقدمه قانون اساسی به ارتش مکتبی اشاره گردیده که می‌بایست بر پایه توصیه‌های اسلام عزیز، مانع از ایجاد سلطه بیگانگان بر کشور شد. در بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی نیز کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا را از مسئولیت‌های جمهوری اسلامی برشمرده و در اصل سوم نیز طی ۱۶ بند برخی دیگر از وظایف حکومت جهت امنیت انسانی برشمرده شده است. اصل دهم در تکمیل مطالب بیان شده در مقدمه، لزوم حمایت از خانواده به عنوان مأمن امنیت اجتماعی انسان‌ها را برشمرده و دولت را به حمایت از استحکام آن برشمرده که در جهت امنیت انسانی تلقی می‌گردد. اصل ۲۲ نیز با بیان اینکه حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند، جنبه حقوقی دیگری از امنیت انسانی را بیان کرده است. در اصل ۳۸ استفاده از شکنجه برای گرفتن اعتراف را منع کرده و اصل ۳۹ نیز لزوم احترام به حیثیت همه شهروندان را توصیه کرده است. مبحث دوم قانون اساسی نیز تحت عنوان ارتش و سپاه، مسئولیت‌های حفاظت از امنیت انسانی توسط قوای نظامی را از نظر حقوقی تشریح کرده است. در قوانین جزئی نیز اهمیت به امنیت انسانی مشهود بوده و در قوانین نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات وظیفه تأمین امنیت شهروندان بر عهده این نهادها قرار داده شده است (رهامی، ۱۳۹۵). در این خصوص تحقیقاتی نیز انجام گرفته است؛ افروغ و همکاران (۱۳۹۸) طی پژوهشی به بررسی حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در

سلامت زیست محیطی با رویکرد حقوق بشر پرداختند. همچنین صیادعبدی (۱۴۰۲) حقوق نسل‌های آینده در اسناد داخلی و بین‌المللی، موسوی داویجانی و همکاران (۱۴۰۳) حقوق محیط زیست با رویکرد حفظ منابع برای نسل‌های آینده با تاکید بر نظام حقوقی ایران، پروین و آگاه (۱۴۰۲) رابطه اصل ثبات قانون اساسی و مطالبات نسل‌ها در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و نجات (۱۳۹۴) بررسی عوامل امنیت انسانی و اجتماعی در شهرستان عسلویه؛ پیامدها و راه‌کارها را مورد بررسی قرار دادند. باتوجه به پیشینه تحقیق، سؤال اصلی این پژوهش این است که امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده از لحاظ فقهی و حقوقی در ایران چگونه اند؟

## مفاهیم

**امنیت انسانی:** محافظت از هسته حیاتی همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع، سازگار با کمال و شکوفایی بلندمدت انسان‌ها می‌باشد. (قاسمی، ۱۳۸۴)

**امنیت اجتماعی:** منظور از امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید تهدید و تعرض (عباسی و همکاران، ۱۴۰۱).

**حقوق نسل‌های آینده:** حقوق نسل‌های آینده؛ حقوقی است که به موجب آن منابع طبیعی که از نسل قبل به نسل فعلی به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل می‌شود و از مباحث مهم و پایه ترمیم عدالت بین نسلی می‌باشد. (کریمی پور، ۱۴۰۰)

## مبحث اول: امنیت انسانی از دیدگاه فقهی و حقوقی

### گفتار اول: امنیت انسانی از دیدگاه فقهی

جایگاه و ارزش امنیت در قرآن و روایات بر این مبنا بوده که دولت در اسلام برآیند نیازها و احتیاجات واقعی مردم است و بر این اساس کشف اولویت از منظر دینی یک وظیفه مقدم بر سایر وظایف بوده و نیازمند مراجعه به متون دینی و استخراج اساسی‌ترین و بنیانی‌ترین مطالبات و احتیاجات مردمی از لابه لای آیات و روایات است. از متون دینی این چنین به دست می‌آید که امنیت در بعد جانی آن از نعمت‌های بزرگ خداوند و مقدم بر سایر نیازمندی‌های بشر است. هدف از تشکیل حکومت نیز تمرکز قدرت در مرکزیت بوده تا امنیت شهروندان تأمین شود. اخذ مالیات از شهروندان نیز با هدف تأمین مخارج حکومت بوده که از ابتدای خلقت جریان داشته است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ همان خدایی که به آن‌ها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت» (قریش: ۴). از برخی روایات به دست می‌آید که این سوره در تعقیب سوره فیل بوده و آن دو را یک سوره دانسته‌اند. بر این اساس مضمون کلی این دو سوره این است: «ما جریان شکست اصحاب فیل را پیش آوردیم تا قریشیان به حمایت و دفاع ما از شهر مکه و خانه خود مطمئن شوند و آنان که در پناه ما جای گرفته‌اند احساس آرامش کنند و گردهم جمع شوند و زمستان و تابستان برای کار تجارت به یمن و شام کوچ کنند. آنان باید به پاس این نعمت پروردگار این خانه را پرستش کنند همان خدایی که زمینه شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم ساخت و اونگی انتشار داد و احساس ناامنی آنان را امنیت کرد.» (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ه. ق: ۴۳۲) در جای دیگر قرآن کریم موضوع امنیت را به عنوان نعمتی بزرگ بر مؤمنان

تحت ستم و آزار کافران یاد کرده و می‌فرماید و به یاد آرید زمانی که عده قلیلی بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می‌شمرند و از مردم مشرک بر خود ترسان بودید که مبادا شما را از روی زمین بر چینند، بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت به شما عطا کرد و از پاکیزه ترین غنائم و طعامها روزی شما فرمود باشد که شکر به جای آرید. (انفال: ۲۶) در این آیه موضوع امنیت پیش از اقتصاد و امور معیشتی مطرح شده ولی در سوره ایلاف امر معیشت پیش از آن آمده است. شاید بتوان گفت اگر امنیت در حوزه مسائل داخلی منظور باشد. اقتصاد و اصلاح امر معیشت از پایه‌های امنیت داخلی و مقدم بر آن است؛ زیرا جرم و جنایت از صاحبان شکم‌های گرسنه کاری دور از انتظار نیست مطابق حدیثی از نبی اکرم (ص) فقر انسان را تا مرحله کفر نزدیک می‌کند (ابن ادریس، ۱۲۷۰ ه. ق: ۴۳). ناامنی محیط مکه پیش از اسلام بیشتر داخلی و بر اثر گرسنگی و فقر بود و همین امر بود که قبایل مختلف را به قتل و غارت یکدیگر وادار می‌کرد. اگر امنیت در حوزه تهدیدات خارجی مورد نظر باشد وضعیت معیشت مردم، چندان در آن تعیین کننده نیست بلکه وجود امنیت و نبود تهدید خارجی تأمین کننده زمینه مساعد برای رشد و شکوفایی اقتصادی و مقدم بر آن است. نیز قرآن کریم ناامنی را از عوامل امتحان مؤمنان دانسته و می‌فرماید «و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و صابران را بشارت و مژده بده». (بقره: ۱۵۵) برخی از مفسران مقصود از محنت‌ها و مصیبت‌های مذکور در آیه را در مورد مجاهدان دوره نخستین اسلام شمرده اند و آن را نوعی تمهید و آماده سازی برای آنان دانسته اند تا بر مصائب و سختی‌های جنگ و جهاد شکیبا باشند و سستی و ضعف از خود نشان ندهند. حضرت صادق (ع) در روایتی فرمودند: پنج چیز است که اگر کسی فاقد آن باشد زندگی اش دچار کمبود و قلبش پریشان و نا آرام خواهد بود - ۱- صحت و سلامت بدن - امنیت - ۳- روزی وسیع ۴- همدم همراه و ۵- راحتی و آسودگی که جامع این امور است. (اصفهانی، ۱۴۱۸ ه. ق: ۵۴۳)

در واقع امنیت از ویژگی‌های شهر خوب برای معرفی شخص شیء و منطقه‌ای خاص باید بهترین سرآمدترین و بایسته ترین ویژگی‌ها و صفات آن به قلم و زبان آید ذکر یک چیز و همراه کردن آن با وصفی خاص نشان دهنده اعتنا و اهمیت بسیاری است که آن وصف برای گوینده آن از بین سایر اوصاف دارد خداوند در قرآن کریم وقتی برای بیان آفرینش استثنایی انسان و خلقت ویژه او به اموری قسم یاد می‌کند در نهایت شهر مکه را در این ردیف آورده و آن را با ویژگی امنیت همراه می‌کند تبیین این ویژگی برای شهر مکه در آیات دیگر نیز ذکر شده است. (عنکبوت: ۶۷) و این خود بیانگر نقش یگانه و ضرورت وجود امنیت برای زندگی جمعی و حیات مادی و معنوی بشر است. لذا بنیان گذار خانه توحید به عنوان معمار بیت الله بهترین خواسته خود از خداوند درباره شهر مکه و بایسته ترین چیز برای آن را امنیت دانسته و آن را مهمترین مطالبه خود از خداوند قرار داده و آنگاه معیشت فراخ را برای اهل آن طلبیده است (بقره: ۱۲۵). قرآن کریم می‌فرماید: ما میان آنان و مناطقی که برکت‌های خود را در آن نازل کرده بودیم قریه‌هایی به صورت پی در پی و زنجیره‌ای قرار داده بودیم و حرکت در آن را اندازه گیری کرده بودیم و گفتیم در آن شبها و روزها راه پیمایید در حالی که در آرامش و امنیت خواهید بود. (سبا: ۱۸) این آیه درباره اهل سبا آمده است که در یمن به سر می‌بردند و با مسافرت‌های پی در پی به سوی شام به کار تجارت و سیاحت و غیر آن می‌پرداختند و در مقام بیان منت خود به آنان، امنیت را ذکر کرده است. در این آیه به امنیت پایدار اشاره شده است و این که در تمام روزها و شبهایی که در این مسیر طی می‌شد امنیت و آرامش حاکم بود و این گونه نبوده است که روزی چنین باشد و روزی غیر آن و یا منطقه‌ای دارای آن باشد و جای دیگر فاقد آن این نکته‌ای است که توجه به آن در سیاست‌های کلان امنیتی کشور بسیار مهم است و امنیت در تمام ابعاد جانی مالی و... وقتی آثار خود

را نشان می‌دهد که قابل اعتماد و پایدار و مستمر باشد تزلزل و ناپایداری در امنیت ناکامی و بی‌اعتمادی به بار خواهد آورد و به سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بلند مدت در ابعاد مختلف لطمه‌ای جدی وارد خواهد کرد. قرآن مجید در جایی دیگر می‌فرماید: و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی میکردند و از هر جانب روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت‌های خدا را کفران کردند خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را به آن‌ها چشاندید و چون لباس سراپای وجودشان را پوشاندند. (نحل: ۱۱۲) برخی این قریه را مکه و برخی غیر آن دانسته‌اند که در بحث اهمیت چندانی ندارد و در هر صورت قریه‌ای به عنوان نمونه ذکر شده و از مهم‌ترین اوصاف آن امنیت و وضعیت خوب اقتصادی نام برده شده است. (انصاری، ۱۴۱۴ ه.ق: ۵۴۳)

### گفتار دوم: امنیت انسانی در قانون اساسی

با توجه به مبنای نظام اسلامی و حکومت ولایت فقیه منبعث از مطالب فقهی بیان شده که تأمین امنیت در همه ابعاد وظیفه حکومت است. توصیه‌ها در قانون اساسی کشور نگاشته شده و در این بخش به جایگاه امنیت انسانی در قانون اساسی پرداخته که منبعث از منبع فقه اسلامی می‌باشد. به موجب این منبع حقوقی نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی او» (بند ششم از اصل دوم) و «سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد». (اصل یکصد و پنجاه و چهارم) این ترتیبات نشان می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی اولاً انسان را به مفهوم جهانی و به ماهوی انسان به رسمیت می‌شناسد؛ هر چند به لحاظ معطوف بودن به چارچوب‌های ملی و کشوری مفهوم تبعه و هویت شهروندی را نیز مطمع نظر قرار داده است. ثانیاً در تبیین نسبت میان مردم و دولت رویکردی و ستفالیایی ندارد در سیستم و ستفالیایی دولت‌ها ماهیتی مستقل در خود داشتند، اما مطابق ایده امنیت انسانی دولت‌ها باید باشد تا از افراد حمایت و حراست کنند. این همان نسبتی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی میان مردم و دولت برقرار کرده است. اصل سوم این قانون دولت را موظف کرده است برای تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی که یکی از آن‌ها مطابق اصل دوم کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسئولیت او در برابر خداوند است. همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه مسکن کار بهداشت و تعمیم بیمه و تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». این موارد که ذیل فصل اول قانون اساسی با عنوان اصول کلی آورده شده‌اند، نشان می‌دهند قانون‌گذار از جمله کار ویژه‌های دولت جمهوری اسلامی را حراست و حمایت از افراد و توانمندسازی آن‌ها می‌داند و شانی برای دولت مستقل از افراد جامعه قائل نیست. از سوی دیگر فصل سوم این قانون ذیل عنوان حقوق ملت انواع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را برای دولت جمهوری اسلامی در ارتباط با کنش آن نسبت به افراد جامعه مقرر نموده است. این موارد نشان می‌دهد قانون‌گذار به درستی به این نکته واقف بوده است که دولت خود می‌تواند به منبعی برای تهدید امنیت فردی و

انسانی تبدیل شود و از این رو می‌بایست محدود شود تا همچنان حامی افراد جامعه و توانمند از آن‌ها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی و شخصی باشد.

از سوی دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی حتی زندگی انسانی و ملزومات آن را حقی همگانی می‌داند و از این رو ضامن قاعده همه گیر بودن امنیت انسانی است. اصل نوزدهم قانون اساسی تصریح دارد «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». آنچه در متون قانون اساسی می‌تواند ضامن همه گیر شدن حقوق و آزادی‌های فردی باشد شمولیت حق شهروندی برای همگان است که مهم ترین حق بشری بنیادین به شمار می‌رود در واقع شهروندی نوعی موقعیت اجتماعی برای فرد است که به واسطه حقوق اختیارات و نیز وظایفی مترتب است تعریف می‌شود شهروند کسی است که به عنوان عضو جامعه و نهاد برخوردار امر اجتماعی و سیاسی پذیرفته شده و می‌تواند از مزایای آن برخوردار شود. بدین ترتیب، حق شهروندی نوعی موقعیت اجتماعی برای فرد است که به واسطه حقوق اختیارات و نیز وظایفی که بر آن مترتب است تعریف می‌شود شهروند کسی است که به عنوان عضو جامعه و نهاد برخوردار از حقوق اجتماعی و سیاسی پذیرفته شده و می‌تواند از مزایای آن برخوردار شود. بدین ترتیب حق شهروندی در واقع حق برخورداری از حق است. چنانچه شهروند تبعه دارای حق هر دولت فرض شود در این صورت فرمول مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و این قانون مقرر می‌دارد که تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید. (اصل چهل و یکم) در این چارچوب قانون اساسی در اصولی که به موجب آن‌ها افراد از حق مشخص و بخصوصی برخوردار می‌گردند از واژه‌هایی چون «برای همه» (اصول ۳ و ۴۳) «همه افراد ملت یا هر فرد» (اصول ۲۸، ۲۰، ۳۱، ۳۴، ۴۲، ۴۶، ۹۰) «هیچ کس» (اصول ۹ و ۲۳، ۲۶، ۳۳، ۴۰) «حقی است همگانی» اصل بیستم و مانند این‌ها استفاده کرده است. تساوی در برابر قانون و در بهره گیری از حقوق اساسی ترین پیش نیاز حق شهروندی است. منظور از تساوی در برابر قانون این است که تمامی قوانین شامل تمام افراد بشود و تبعیضی در این مورد وجود نداشته باشند. قانون اساسی جمهوری اسلامی در این خصوص تأکید دارد. تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (اصل بیستم) معیار دیگر در خصوص جایگاه امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت آن با امنیت ملی در این قانون است. در این خصوص می‌توان گفت امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی مفهومی انسانی است و امنیت ملی در واقع مرزها و حدود آن را در چارچوب منافع ملی ایران تعیین می‌کند. برای تأیید این فرضیه ابتدا می‌بایست به تبیین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و شناسه‌های آن پرداخت این عنوان مبین این مفروضه مهم است که جمهوری اسلامی نظامی است که معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی بر آن قابل انطباق است که لزوماً با معانی و شناسه‌های امنیت ملی دیگر کشورها همپوشانی ندارد این نکته خود برخاسته از مفروضه دیگری است که بر پایه آن هر نظام سیاسی به واسطه ایده تشکیل دهنده و نحوه شکل گیری اش تلقی و برداشت با معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی را بر می‌تابد و از این رو شناسه‌های امنیت ملی آن با دیگر نظام‌ها یکی نیست. البته این برداشت یکتا انگار عمدتاً با ماهیت و فلسفه وجودی رژیمهای سیاسی مرتبط است و در عین حال می‌تواند ناشی از ظرفیتهای طبیعی و تاریخی متفاوت هر کشوری نیز باشد. در خصوص ماهیت رژیم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران قاعدتاً می‌بایست به اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی ذیل عنوان بازنگری در قانون اساسی نگرست. مطابق این اصل محتوای اصلی مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین

و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است. تصریح این موارد به این معناست که خدشه به آن‌ها در واقع به منزله تهدید جمهوری اسلامی در مقام رژیم سیاسی است و رژیم سیاسی همان - گونه که گفته شد از شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. بر این اساس اصل چهارم قانون اساسی تأکید دارد کلیه مقررات و قوانین ملتی جزایی مالی، اقتصادی، اداری فرهنگی نظامی سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

در این چارچوب قیود و محدودیت‌هایی که برای آزادی‌ها و حقوق بشر بنیادین در قانون اساسی جمهوری اسلامی وضع شده است تمام در ذیل یکی از سه شناسه رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی جای می‌گیرند قیود مذکور عبارت اند از موازین اسلامی (اصول ۲۰، ۲۱، ۲۶) مبانی اسلامی (اصول ۲۴ و ۲۷) اسلام (اصل، ۲۸) حقوق عمومی (اصل، ۲۴)، مصالح عمومی (اصل، ۲۸) منافع عمومی (اصل، ۴۰) وحدت ملی (اصل، ۲۶) و اساس جمهوری اسلامی (اصل، ۲۶). این محدودیت‌ها و قیود نشان می‌دهند امنیت ملی و شناسه‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی در واقع حدود و مرزهای امنیت انسانی را مشخص می‌کنند و نسبتی جایگزین یا مزاحم با آن ندارند. اصل تهم قانون اساسی از این نیز فراتر می‌رود و بر تفکیک ناپذیری این دو مفهوم در جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند: در جمهوری اسلامی ایران آزادی استقلال وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی فرهنگی اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهی وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. این تلقی که می‌توان آن را در هم تنیدگی آزادی‌های مشروع و امنیت ملی در ایده جمهوری اسلامی دانست، نشان می‌دهد امنیت ملی در آینده جمهوری اسلامی مفهومی مردم پایه یا مردم محور است. و از این رو با ایده کلی امنیت انسانی و نسبت آن با امنیت ملی تناسب دارد همچنان که دیگر اصول قانون اساسی از جمله (اصول ۶۸، ۷۸، ۷۹ و ۸۲) بر این تلقی یعنی مردم پایگی امنیت ملی در ایده جمهوری اسلامی تصریح دارند و تأییدی بر این فرضیه به شمار می‌روند. اصل شصت و هشتم به برگزاری انتخابات در زمان جنگ و اشغال کشور اشاره دارد و توقف آن را صرفاً برای مدتی معین و به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس که منتخب مردم اند، می‌پذیرد. اصل هفتاد و هشت نیز هر گونه تغییر در خطوط مرزی را منوط به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی کرده است. مطابق اصل هفتاد و نهم نیز برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار نمایند ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشند و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند. اصل هشتاد دوم نیز به همین سیاق استخدام کارشناسان خارجی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی کرده است. این ترتیبات نشان می‌دهند مفهوم امنیت انسانی در متن ایده امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارد و امنیت ملی نیز در این قانون مفهومی مردم محور است. یعنی منافع مردم است که ملاحظات امنیت ملی را مشخص می‌کند. لازم به ذکر است امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل ابعاد امنیت اقتصادی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و امنیت زیست محیطی می‌شود.

مبحث دوم: امنیت اجتماعی از دیدگاه فقهی و حقوقی

گفتار اول: امنیت اجتماعی از دیدگاه فقهی

مسأله «امنیت» از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی موضوع «عدالت» نیز که خود در ردیف والاترین ارزش‌های الهی و انسانی قرار دارد نسبت به آن در درجه دوم قرار دارد چرا که تا امنیت و آرامش در جامعه‌ای برقرار نباشد برقراری عدالت نیز امری محال و غیر ممکن خواهد بود. در واقع پایه ریزی و ایجاد یک تمدن و زندگی انسانی اصیل که «عدالت» یکی از پایه‌ها و بنیان‌های آن است بدون تأمین و برقراری «امنیت» ممکن نیست ویل دورانت مورخ و محقق مشهور غرب در کتاب تاریخ تمدن این نکته را متذکر گردیده و می‌گوید: ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ زیرا فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاو و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه ی وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد (دورانت، ۱۳۹۳: ۷-۵). به هر حال با توجه به مباحث مطرح شده بدون امنیت در هیچ جامعه‌ای امید تعالی و ترقی وجود نخواهد داشت و یکی از اولین وظایف هر سیستم حکومتی باید تلاش در راستای ایجاد فضایی امن و خالی از دغدغه‌های مادی و معنوی برای شهروندان خود باشد تا آنان در سایه این امنیت به فعالیت پرداخته و زمینه پیشرفت‌های گوناگون در عرصه اجتماع خویش را فراهم آورند. باید دانست که موضوع «امنیت» از جمله موضوعاتی است که دارای اقسام گوناگون و متنوعی می‌باشد و علمای علم جامعه‌شناسی برای آن انواعی را قائل شده اند که از آن جمله می‌توان به: «امنیت شغلی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت فرهنگی و...» اشاره کرد که هر یک مقوله‌ای جداگانه هستند. اما در یک تقسیم بندی کلی می‌توان امنیت را به دو نوع امنیت فردی و امنیت اجتماعی تقسیم نمود. یعنی هنگامی که بحث از امنیت به میان می‌آید این موضوع را هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماعی باید مدنظر قرار داد. البته پیداست که این دو اگرچه از نظر ظاهر دو حوزه جدا از یکدیگر می‌باشند ولی در حقیقت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته به گونه‌ای که ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی بدون پرداختن به علل و عوامل ایجاد امنیت فردی منتج نبوده و به ثمر نخواهد نشست. از این روست که از دیدگاه علم جامعه‌شناسی امنیت فردی زیربنای امنیت اجتماعی است (روشندل، ۱۳۹۵: ۷۶)

از آنجا که قرآن کریم به عنوان قانون اساسی دین اسلام و در برگیرنده ی تمامی نیازهای دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد نسبت به مقوله ی امنیت نیز توجه ویژه‌ای داشته و در آیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع امنیت مخاطبان خود را نسبت به اهمیت آن متذکر شده است؛ که در این بخش به برخی از آن آیات اشاره خواهد شد. یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که به موضوع «امنیت» اشاره شده است آیه ۱۲۶ سوره مبارکه ی بقره می‌باشد که مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ خداوند حضرت ابراهیم (ع) درباره سرزمین و مردم مکه می‌باشد. و به یادآور هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را شهرامنی قرار داده و اهل آن را، آن‌ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده اند از ثمرات گوناگون روزی ده. (بقره: ۱۲۶) این دعا در حالی که به پیشگاه الهی عرضه شده است که مکه تدریجاً شکل شهری را به خود گرفته و قبیله جرهم در آنجا ساکن شده بودند و پیدایش زمزم آنجا را قابل سکونت ساخته بود (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱: ۳۶۵) و در نتیجه ایشان در دعای خود اصلی ترین نیاز این اجتماع نه چندان بزرگ در آن روزگار را مدنظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری برای آنان درخواست «امنیت» می‌نماید و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حاکم نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱: ۴۵۲) و نه تنها اقتصاد سالم که اصولاً برخوردارای ای یک زندگی انسانی



مطلوب بدون وجود امنیت امکان ناپذیر است و اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیست هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت است سایر نعمت‌ها را نیز از دست خواهد داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۰: ۳۳۶) در سوره مبارکه قصص آیه ۵۷ چنین آمده است: «آنها گفتند ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم ما را از سرزمینمان می‌ربایند آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی از هر شهر و دیاری به سوی آن آورده می‌شود؛ ولی اکثر آنها نمی‌دانند». (قصص: ۵۷) با تدبر در این آیه شریفه بازهم به یک نکته مهم و اساسی پی می‌بریم و آن تأکید بر اهمیت موضوع «امنیت» به عنوان نخستین نعمت الهی برای شهر و مردم مکه می‌باشد. خداوند عزیز در این آیه شریفه قبل از پرداختن به موضوع رزق و روزی و بدون توجه به سایر امتیازات مادی و معنوی سرزمین عربستان و شهر مکه موضوع امنیت حاکم بر آن را یادآوری می‌نماید تا اولاً افراد خائف و بیمناک از صولت عرب را اطمینان خاطر بخشد و ثانیاً اهمیت ویژه ی امنیت و نقش ارزشمند آن را در دستیابی به اهداف عالی‌ه مورد یادآوری قرار دهد و به این ترتیب به تمام مخاطبان مصحف شریف خود یادآور شود که آنچه لازمه ی یک محیط اجتماعی برای رشد و تعالی در زمینه‌های گوناگون است در درجه نخست امنیت اجتماعی است و پس از تأمین این مقوله مهم است که باید به امور دیگر پرداخت.

« وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ » (نحل: ۱۱۲) خداوند برای آنان که کفران نعمت می‌کند مثلی زده است؛ منطقه‌ای را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزیش بطور وافر از هر مکانی فرا می‌رسیده است. در این آیه شریفه خداوند متعال برای آنان که قدر نعمت‌های الهی را نمی‌دانند و به جای سپاسگزاری و شکر به درگاه پروردگار کفران نعمت کرده و راه ناسپاسی پیش می‌گیرند داستان قریه‌ای را در قالب یک مثل ذکر می‌نماید و سرگذشت تلخ و غم انگیز اهل آن را برای ناسپاسان یادآور می‌شود که چگونه در اثر قدر ناشناسی و کفران نعمت‌های الهی به عذاب خداوند دچار شدند. در این آیه سه ویژگی و خصوصیت برای یک سرزمین آباد و قابل سکونت و زندگی ذکر گردیده که به ترتیب عبارتند از امنیت اعتماد و اطمینان به تداوم حیات در آن و وجود رزق و روزی فراوان که در رأس همه کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد و آزاد و مستقل داشته باشند که باید قبل از هر چیز به مسأله «امنیت» پرداخت؛ سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخ‌های اقتصادی را به حرکت درآورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۱: ۲۳۳) جالب توجه آنکه در این آیه شریفه محروم شدن از این سه نعمت الهی که امنیت نیز یکی از آنها و در حقیقت مهمترین آنها می‌باشد به عنوان عذاب و نعمت الهی مطرح گردیده و اعلام شده که خداوند در مقابل ناسپاسی اهل آن قریه لباسی از گرسنگی و ترس را براندام آنها پوشانید و با سلب امنیت از آنها و گرفتار نمودنشان به قحط و گرسنگی کیفر کافران آنان را به سختی عطا فرمود و همین مطلب خود تأکیدی دیگر بر این موضوع است که امنیت در هر جامعه‌ای نعمتی بی بدیل و نشانه لطف و رحمت پروردگار است. و مردم نیز بایستی قدر این نعمت خداوندی را دانسته و ضمن پاسداری از آن مراتب شکر و سپاس خود را در مقابل آن به جای آورند که اگر چنین کنند به مصداق آیه « لَنْ نُكْفِرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ » هر روز بیش از گذشته مشمول الطاف خداوند شده و شاهد امنیت و آرامش بیشتری در جامعه خود خواهند بود، در غیراین صورت باید منتظر عذاب الهی یعنی از دست دادن امنیت و ابتلا به هرج و مرج و ناامنی باشند که او « وَلَنْ نُكْفِرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ». (ابراهیم: ۷) یکی از زیباترین داستان‌های قرآن که به عنوان أحسن القصص نامیده شده است. داستان زندگی حضرت یوسف (ع) می‌باشد که به طور مفصل در سوره مبارکه یوسف ذکر گردیده است. در آیه‌ای عنوان شده است « فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ إِنِّي شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ »؛ هنگامی که بر یوسف وارد شدند او پدر و مادر خود را در آغوش

گرفت و گفت همگی داخل مصر شوید آن شاء الله در امن و امان خواهید بود. (یوسف: ۹۹) از آیه فوق استفاده می‌شود هنگامی که یعقوب پس از سالیان متمادی تحمل رنج هجران و فراق فرزندش به همراه سایر فرزندان وارد شهر مصر شدند، یوسف (ع) که اینک به رفیع ترین مقامات حکومتی سرزمین مصر نائل شده بود به جهت استقبال از پدر و مادر و برادران خود به دروازه شهر آمده و آنان را به زندگی پاک و گوارایی همراه با برخورداری از امنیت کامل در مصر مژده می‌دهد. یوسف از میان تمام مواهب و نعمت‌های موجود در مصر انگشت روی مسأله امنیت گذاشت و به پدر و مادر خود و برادرانش گفت وارد مصر شوید که ان شاء الله در امنیت خواهید بود. این نشان می‌دهد که نعمت امنیت ریشه‌ی همه نعمت‌ها است؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد در یک محیط نا امن به اطاعت خدا مقذور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکرو نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۰: ۸۴)

همچنین از این آیه شریفه می‌توان این نکته را نیز استفاده نمود که موضوع امنیت باید در رأس برنامه‌های حکومت قرار گرفته و مسئولان هر جامعه قبل از هر چیز تأمین این نیاز اساسی اجتماع را مدنظر قرار دهند. حضرت یوسف (ع) هنگامی که در سرزمین مصر صاحب قدرت و مکنات حکومتی می‌گردد در راستای ایجاد امنیت کامل به عنوان اساسی ترین نیاز جامعه قدم برداشته و امنیت کامل را در کشور تحت حکمرانی اش برقرار نموده و این فضای امن و آرام را به عنوان نخستین هدیه حکومت و زمامداری خود به مردم مصر و پدر و مادر و برادران خود عرضه می‌دارد. در آیه سوره مبارکه سبا خداوند فرموده است « وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمُنُونَ » اموال و فرزندان شما هرگز شما را نزد ما مقرب و نزدیک نمی‌سازد و به جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر اعمالی است که انجام داده اند و آن‌ها در غرفه‌های بهشتی در نهایت امنیت خواهند بود. (سبا: ۳۷) در این آیه شریفه که بیانگر عاقبت نیک و سعادت‌مند بهشتیان است از جمله نعم الهی که در سرای جاوید یعنی بهشت موعود از سوی خداوند به آنان ارزانی می‌شود را امنیت بر می‌شمرد و همین خود، بیان کننده‌ی ارزش و اهمیت والای این مقوله از نظر قرآن کریم و خداوند است که حتی بودن آن را در بهشت در ردیف پاداش‌های بهشتیان ذکر می‌فرماید. البته تذکر این نعمت بزرگ یعنی امنیت در بهشت، مختص این آیه شریفه نمی‌باشد بلکه در آیات دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته که از آن جمله باید به آیه ۴۶ از سوره‌ی مبارکه‌ی حجر اشاره نمود، آنجا که بهشتیان از سوی فرشتگان الهی مورد خطاب واقع شده و به آنان گفته می‌شود: ادخلوها بسلام امنین داخل این باغ‌های بهشتی شوید با سلامت و امنیت. به طور کل می‌توان اذعان نمود که امنیت از چنان ارزش والایی برخوردار است که بهشت با تمام خوبی‌ها و امتیازات و نعمت‌هایش بدون آن گوارا نخواهد بود و تمام نعم این دار السلام با بودن امنیت است که قابل بهره‌برداری و استفاده می‌شوند و به کام بهشتیان شیرین می‌گردد. به تعبیر دیگر بهشت نا امن جز دوزخی سراسر رنج و مشقت چیز دیگری نخواهد بود و با امنیت است که بهشت بهشت می‌شود.

گفتار دوم: امنیت اجتماعی از دیدگاه حقوقی

مبانی امنیت اجتماعی در قانون آج ۱۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۹ تا ۴۲ حقوق اجتماعی و شهروندی یکایک آحاد ملت را این گونه بر می‌شمرد:

الف - حق تساوی بدون در نظر گرفتن رنگ نژاد و زبان (اصل ۱۹)

ب- برابری مرد و زن تحت حمایت قانون اصل (۲۰)

پ - رعایت حقوق زن بر اساس موازین اسلامی (اصل ۲۱)

ت - ممنوعیت حیثیت، جان مال حقوق مسکن و شغل افراد (اصل ۲۲)

ث - ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳)

ج - آزادی نشریات و مطبوعات (اصل ۲۴).

چ - ممنوعیت هرگونه تجسس در نامه مکالمات تلفنی مخابراتی و... (اصل ۲۵).

ح - آزادی احزاب و جمعیت‌ها اعم از سیاسی و صنفی و دینی با رعایت احترام به اصول جمهوری اسلامی (اصل ۲۶).

خ - آزادی در انتخاب شغل (اصل ۲۸).

د - برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹).

ذ - آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)

ر - داشتن مسکن مناسب (اصل ۳۱)

ز - ممنوعیت دستگیری بدون حکم قانونی (اصل ۳۲)

ژ - اصل بر براءت است مگر عکس آن ثابت شود (اصل ۳۷).

س - اعمال حق نباید وسیله اضرار به دیگران و یا تجاوز به منافع عمومی گردد (اصل ۴۰).

«امنیت» به معنای اولیه آن یعنی صیانت نفس یکی از مسائلی است که دولت به خاطر آن به وجود آمده است. به این معنا که ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت استقرار و حفظ امنیت در اجتماع بوده است. البته بحث امنیت در هر زمانی معنای خاص داشته است؛ گاه تنها معنای حفظ جان و صیانت نفس» در اندیشه‌ای هابز داشته و زمانی دیگر حفظ اموال و دارایی در اندیشه‌ای لاک به معنای آن اضافه شده است (اشتراوس، ۱۳۹۳: ۶۲). امروزه معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی مشارکت سیاسی تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادهای هم کشیده شده است. البته میزان و محدوده این موضوعات و حوزه‌ها متناسب با بینش و اندیشه نظام‌های سیاسی و نوع آن‌ها می‌باشد؛ دینی یا سکولار و لائیک بودن لیبرالیستی با مارکسیستی بودن، توتالیتار و انحصار‌گرا یا دموکرات بودن به جامعه مدنی و حوزه خصوصی افراد اهمیت دادن و عواملی دیگر بر مؤلفه‌ها چارچوب امنیت تأثیر می‌گذارد. از آنجا که دولت در جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب در بهمن، ۵۷ اسلامی شد در این زمینه اندیشه‌های سیاسی اسلام خصوصاً تشیع و بحث انقلاب و ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر زیادی بر چگونگی تدوین و محتوای قانون اساسی و نوع نظام سیاسی آن گذاشته است. با توجه به این موضوع سؤال اصلی در نوشتار این است جایگاه امنیت جامعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی چیست؟ از آنجا که بحث تأمین امنیت جامعه وظیفه دولت است لازم می‌آید تا به دولت از منظر اندیشه‌ای نیز نگریسته شود که این موضوع در ابتدا و به اختصار آورده شده است. با توجه به اندیشه سیاسی تشیع و لزوم هدایت و زمینه‌سازی برای به سعادت رسیدن مردم شاهد ظهور و رشد رویکردی هستیم که بر اساس آن دولت به عنوان متولی وظایف بالا رشد نموده و توسعه می‌یابد این ایده در مقابل رویکرد تحلیلی قرار دارد که با توجه به اینکه

بحث امنیت در حوزه‌های حقوقی جانی و مالی در گذشته مطرح بوده اما سرایت و گسترانیدن آن در قالب امنیت اجتماعی به حوزه‌های قضایی پایمال نشدن حقوق افراد در دادگاه‌های نظام سیاسی سیاسی بحث مشارکت سیاسی در قالب احزاب مطبوعات گروه‌ها و سندیکاه‌ها و آزادی‌ها، اداری برخورد مناسب اداره جات با مراجعین اقتصادی تأمین شغل، مسکن، رفاه، جلوگیری از تورم زیاد رفع فقر فرهنگی ازدواج هنر و برآوردن استعدادها در دوران جدید اتفاق افتاده است؛ قائل به تعریف این مفهوم در حیطه حوزه غیر دولتی می‌باشد. مطابق این رویکرد طرح مسایلی چون اهمیت این مسایل ریشه در افزایش فردیت افراد و حقوق آن‌ها با توجه به مسائلی چون موضوعیت یافتن تک تک افراد آزادی رفاه فعلیت یافتن استعدادها و... موید این مدعاست «امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست امنیت پیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد (کاظمی، ۱۳۹۳، ۱۱۷). با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه نهادگرایی در حوزه‌های متفاوت حقوقی و قضایی اقتصادی فرهنگی سیاسی و اداری و نظامی اصول و حقوقی که به اجتماع و دولت جمهوری اسلامی مربوط می‌شود و جزء اهداف جامعه نظام سیاسی قار گرفته و برای مردم و افراد جامعه و اجتماع امنیت بخش است و از آنجا که به جامعه و نظام سیاسی ارتباط پیدا می‌کند و در جمع و اجتماع مطرح هستند و تأثیر دیگران بر آن‌ها بیش از تأثیر خود فرد است در بر آوردن یا عدم برآوردن آن‌ها در زیر مجموعه امنیت اجتماعی آورده شده اند که عبارتند از:

#### الف حوزه حقوقی و قضایی

در حوزه حقوقی و قضایی اصول و اهداف حقوقی آمده که برای فرد امنیت بخش است اینکه :

الف - مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود.

ب - حقوق زن و مرد برابر و مساوی است.

پ- برای حفظ کیان و بقای خانواده باید دادگاه ایجاد شود.

ت- جان مال حقوق حیثیت مسکن و شغل اشخاص می‌باید مصون از تعرض باشد.

ث- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض مواخذه قرار داد (آزادی عقاید)

ج - هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید و همه ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند.

(دادخواهی)

چ- در همه دادگاه‌ها طرفیق حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین

وکیل فراهم گردد.

ح - مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

خ- اصل بر برائت است و هیچ کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

د - گرفتن اقرار یا کسب اقرار با شکنجه ممنوع است.

ذ- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر بازداشت زندانی یا تبعید شده است ممنوع است، اینکه قوه قضائیه باید:

ذ۱- به رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات تعدیات شکایات بپردازد دعاوی را حل و فصل و تخاصمات را رفع کند.

ذ۲- به احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های سیاسی پردازد.

ذ۳- به نظارت بر حسن اجرای قوانین پردازد.

ذ۴- به کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزای اسلام پردازد.

ذ۵- به اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین پردازد.

## ب - حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی اصول اهداف و حقوقی به شرح زیر ترسیم شده که برای فرد در حوزه اجتماع امنیت بخش است اینکه :

الف - دولت باید اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه برنامه ریزی کند.

ب - دولت باید تبعیضات ناروا را رفع کند و امکانات عادلانه برای همه ایجاد کند.

پ- دولت موظف است برای مردم شغل ایجاد کرده و هر کسی هر شغلی خواست می‌تواند انتخاب کند

ت - دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات تأمین اجتماعی برای بازنشستگی بیکاری، پیری از کار افتادگی و بی سرپرستی در راه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره برای مردم فراهم آورد.

ث- مسکن داشتن هر فرد در خانواده ایرانی متناسب با نیاز خود

ج - ساعات کار و محتوای آن باید طوری باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

چ - اقتصاد بیگانه بر اقتصاد کشور نباید سلطه داشته باشد.

ح- کشور باید خود کفا باشد.

خ - اموال شخصی مردم محترم است.

د- باید در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی در میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور تبعیض صورت نگیرد.

ذ - دولت موظف است ثروتهایی که از راه‌های نامشروع به دست آمده اند را ضبط کند

## پ. حوزه فرهنگی و اجتماعی

در حوزه فرهنگی - اجتماعی اصول اهداف و حقوقی ترسیم شده که برای فرد در اجتماع امنیت بخش می‌باشد و عبارتند از:

الف - دولت باید محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند

ب- دولت باید سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر بالا ببرد.

پ - دولت باید به تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان پردازد.

ت- دولت باید خودکفایی در علوم و فنون را تأمین کند

ث- همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری و قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی است.

ج- برای بیوگان و زنان سالخورده و بی پرست بیمه درست شود. چ باید زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن ایجاد شود ح برای نشریات و مطبوعات باید آزادی بیان وجود داشته باشد تا بتوانند آزادانه مطالب خود را بیان کنند.

خ - ممنوع بودن تجسس

د - دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان متوسطه فراهم سازد د دولت باید تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح فراهم کند.

ت. حوزه سیاسی و اداری

در حوزه سیاسی اصول اهداف و حقوقی مطرح شده که برای فرد در اجتماع امنیت بخش می‌باشد و عبارتند از:

الف - استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود

ب - هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد

پ- آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود

ت- عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند

ث- در نظام جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و از راه انتخابات کشور اداره شود.

ج- شورا و دخالت مردم اهمیت دارد (اصل هفتم و برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی عمرانی، بهداشتی فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش شهر شهرستان یا استان صورت گیرد که اعضاء آن را مردم همان محل انتخاب کنند.

چ - مردم نسبت به دولت وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند

ح - در نظام جمهوری اسلامی آزادی استقلال و وحدت و تمامیت ارضی باید حفظ شود

خ - اقلیت‌های دینی می‌توانند مراسمات دینی خود را انجام دهند

د- احزاب جمعیت دو انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند (آزادی احزاب)

ذ- دولت باید نظام اداری صحیح ایجاد کند.

ث - حوزه نظامی و دفاعی

الف - دولت باید بنیه دفاع ملی را از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور را تقویت کند. (همان، بند یازدهم)

ب - دولت باید خودکفایی را در امور نظامی تأمین کند. (همان، بند سیزدهم)

### لایحه حفظ امنیت اجتماعی

نمایندگان دوره هجدهم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۴ لایحه ۶ ماده‌ای ارسالی از سوی دولت را مورد تصویب قرار دادند تا به این ترتیب نوعی جدید از دادگاه‌های عمومی به منظور جلوگیری از گسترش اعتراضات مردمی ایجاد شود در ماده یک این قانون که به نام لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی معروف شد، آمده است: «برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار - رئیس دادگاه شهرستان در صورت نبودن رییس دادگاه بخش - دادستان - رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود». همچنین ماده دو این قانون به وظایف کمیسیون امنیت اجتماعی اختصاص داشته و در آن آمده بود وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از:

الف - رسیدگی به عمل اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک و موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم می‌سازند.

ب - رسیدگی به عمل اشخاصی که کشاورزان را به خودداری از دادن بهره مالکانه یا امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا رفتار بر ضد مأموران دولت و ادار نمایند.

پ - برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام (کمیسیون امنیت اجتماعی) مرکب از فرماندار - رئیس دادگاه شهرستان در صورت نبودن رییس دادگاه بخش - دادستان - رییس شهربانی و رئیس ژاندارمری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود. که وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از:

الف - رسیدگی به عمل اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک و موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم می‌سازند.

ب - رسیدگی به عمل اشخاصی که کشاورزان را به خودداری از دادن بهره مالکانه یا امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا رفتار بر ضد مأمورین دولت و ادار نمایند.

پ - در موارد مذکور در ماده ۲ کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی فوراً رسیدگی و متهم را به دو ماه تا ۶ ماه اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین کند به استثنای نقاط بد آب و هوا محکوم می‌نماید.

تصمیمات کمیسیون باید فوراً به محکوم علیه ابلاغ شود و محکوم علیه حق دارد در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی به دادگاه استانی که عمل در حوزه آن واقع شده شکایت نمایند. دادگاه استان فوراً خارج از نوبت بدون حضور متهم به شکایت مزبور رسیدگی کرده رأی مقتضی صادر خواهد نمود چنان چه دادگاه حضور متهم را برای روشن شدن امر لازم بداند دستور احضار او را خواهد داد طرز رسیدگی دادگاه استان در این مورد به استثنای احضار متهم که به اختیار دادگاه است. مطابق مقررات عمومی خواهد بود. رأی دادگاه استان قطعی و لازم الاجراء است.

ت - محکومین به حکم قطعی لازم الاجراء پس از انقضای ربع مدت محکومیت می‌توانند تقاضای بخشودگی نمایند در این صورت پرونده امر به دادگاه استان که مرجع رسیدگی پژوهشی است ارجاع می‌شود رأی دادگاه استان قطعی است.

ث - وزارتین دادگستری و کشور مأمور اجرای این قانون می‌باشند به موجب قانون تمدید تبصره قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط به حفظ امنیت اجتماعی که در تاریخ نهم مرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسیده موقتاً قابل اجراء می‌باشد.

### قانون اصلاح قانون حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۴۹/۱۰/۱۳

مقررات زیر به قانون حفظ امنیت اجتماعی الحاق می‌شود :

الف - عبارت زیر به ماده ۱ قانون حفظ امنیت اجتماعی اضافه می‌شود اگر در حوزه فرمانداری دادگاه شهرستان با شهربانی تأسیس نشده باشد دادرس علی البدل دادگاه بخش به جای دادستان و نماینده شهربانی استان با فرمانداری کل به جای رئیس شهربانی در کمیسیون شرکت خواهند کرد. در واقع برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار - رئیس دادگاه شهرستان و در صورت نبودن رئیس دادگاه شهرستان رئیس دادگاه بخش - دادستان - رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری و نماینده نخست و زیری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود.

ب - عبارت زیر به قسمت اخیر بند (ب) ماده (۲) اضافه می‌شود که مربوط به رسیدگی به عمل کسانی که به نحوی از انحاء در امر و ارد کردن و خرید و فروش مواد مخدر دخالت نموده یا در پیشرفت مقاصد خلاف قانون اشخاص مذکور کمک کنند. کسانی که به عمل قاچاق کالاها گمرکی و همچنین کسانی که با تهیه وسایل و ایجاد امکانات به همکاری با مرتکبین قاچاق این نوع کالاها شهرت و معروفیت داشته باشند در صورتی که مشمول مقررات جزایی دیگری نباشند مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ج - تبصره‌های زیر به قانون حفظ امنیت اجتماعی اضافه می‌شود:

تبصره ۱ - کسانی که به موجب حکم مراجع قضایی یا کمیسیون مذکور در ماده یک این قانون مکلف به اقامت در نقطه معین شده یا از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع شده اند هر گاه قبل از خاتمه مدت محکومیت از محل مزبور خارج یا به محل ممنوع بروند پس از اعلام مراتب از طرف مراجع انتظامی و ثبوت تخلف به حکم مرجع صادر کننده حکم اولی تمام یا قسمتی از بقیه مدت محکومیت آنان تبدیل به بازداشت خواهد شد و در این صورت مدت بازداشت مزبور که برای هر با تخلف محکوم علیه از مقررات این تبصره نباید از سه ماه تجاوز کند جزو مدت محکومیت آنان به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین محسوب می‌شود و به هر صورت مدت بازداشت نباید بیش از بقیه مدت توقف اجباری باشد. این قبیل بازداشتها که قابل تبدیل به جزای نقدی نخواهد بود آثار تبعی کیفری ندارد. رأی مرجع قضایی با تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مبنی بر بازداشت متهم طبق ماده ۴ قابل اعتراض و رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان است حکم دادگاه استان در این مورد قطعی خواهد بود در صورتی که رأی مرجع قضایی یا تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مورد تأیید دادگاه استان قرار نگیرد متهم فوراً آزاد می‌شود و بقیه مدت محکومیت درباره او اجرا خواهد شد در این صورت مدتی که متهم بازداشت بوده جزو محکومیت او به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین احتساب می‌شود.

تبصره ۲ - طرز اجرای حکم و نحوه اعزام این نوع محکومین و مراقبت آنان در محل اجراء و تأمین هزینه‌های مربوط به موجب آیین نامه‌ای که به تصویب وزارتین دادگستری و کشور خواهد رسید تعیین می‌شود.



تبصره ۳ - در صورتی که به علت صدور دستور اجرای موقت و اعزام متهم به نقاط مورد حکم حضور او در دادگاه متعسر باشد دادگاه استان به وسائل مقتضی به مشارالیه اخطار می‌کند که ظرف مدت ده روز از تاریخ رؤیت اخطاریه نسبت به تعیین و معرفی وکیل یا ارسال لایحه دفاعیه خود اقدام نماید و هر گاه پس از مدت سی روز از تاریخ رؤیت اخطاریه پاسخ متهم نسبت به معرفی وکیل یا لایحه دفاعیه او به دادگاه واصل نشد دادگاه با توجه به محتویات پرونده رأی مقتضی صادر خواهد کرد. قانون فوق مشتمل بر یک ماده پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۴۹،۹،۱۸ در جلسه روز یکشنبه سیزدهم دی ماه یک هزار و سیصد و چهل و نه به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

### جرایم علیه امنیت در قانون مجازات اسلامی

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب - اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است. که البته جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود. مورد دیگر محاربه می‌باشد که عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است. به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب محسوب نمی‌شود. راهزنان سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند. هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب اخلاقی در نظام اقتصادی کشور احراق و تخریب پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاقی شدید در نظم عمومی کشور ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. ماده ۴۲۸ در مواردی که جنایت نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، مقدار مذکور از بیت المال پرداخت می‌شود (ق م ا مصوب، ۱۳۹۲).

مبحث سوم: حفظ حقوق نسل‌های آینده از دیدگاه فقهی و حقوقی

گفتار اول: حفظ حقوق نسل‌های آینده از دیدگاه فقهی

اسلام به عنوان دینی جهان شمول و جامع نگر مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد. یکی از همین موضوعات حقوق نسل‌های آینده است. حقوق نسل‌های آینده با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام: ۳۸) یعنی ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم و در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) یعنی کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست. امام صادق علیه السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند چیزی را که مورد نیاز مردم بوده رها نکرده است. تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می‌شد آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است. (کلینی، ۱۴۱۱ ه. ق: ۱۱۳) از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است. در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند، حد و مجازاتی قرار داده است. بر طبق این آیات و روایات بخوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است روشن می‌شود که منظور از همه چیز تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۳۶۱) به طور قطع یکی از اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روحی سالم جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از طبیعتی سالم بهره مند باشد. از آنجا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر از جمله طبیعت در ارتباط است بدیهی است که زندگی شایسته او در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ به طوری که می‌توان گفت در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت بیان شده است. (ربانی، ۱۳۷۸: ۲۲۳) انسان خواه متمدن و خواه غیر متمدن فرزند طبیعت است و اگر بخواهد بر طبیعت استیلا داشته و از آن بهره مستمر ببرد باید اعمالش را با ناموس خلقت و قوانین طبیعت تطبیق داده و بر اساس آن عمل نماید. قانون طبیعت یک حق همگانی است و تخریب آن بر خلاف قوانین زیست محیطی است. روشن است که اقدام به تخریب طبیعت در واقع اقدامی بر خلاف حق یعنی جنگیدن با حق است که بی شک بازنده این میدان انسان مخرب است بنابراین لازم است با قانونی نمودن بهره برداری از منابع طبیعی از تخریب و نابودی آن جلوگیری کرده و با آن برخورد قانونی شود؛ زیرا تخریب طبیعت یکی از معضلات اجتماعی عصر حاضر است که باعث شده تا چالش‌های فراوانی در همه عرصه‌ها به وجود آید البته در اسلام راهکارهای فراوانی وجود دارد که می‌تواند این چالش‌ها را به فرصت تبدیل کرده که با معضلات و مقابله کند در فقه نیز هم چند قاعده فقهی بر اهمیت این امر تأکید دارد که شامل قاعده لاضرر و قاعده اتلاف می‌شوند. در زمینه

مبانی حقوق بشر و نسل‌های آینده دیدگاه‌های متعددی بیان شده است از آنجا که این دیدگاه‌ها بر اساس اندیشه اندیشمندان بیان شده است در این مبحث چهار دیدگاه عقلی ارائه می‌شود:

۱- دیدگاه‌های انسان شناختی: کرامت ذاتی انسان که از موجودیت او برخاسته و استقلال و اصالت انسان، فارغ از ربوبیت و مالکیت خداوند نسبت به او به شهادت بندهای موجود در اعلامیه و مجادلات صورت گرفته در روند تدوین آن.

۲- دیدگاه‌های هستی شناختی: سامان بخشی به زندگی دنیوی به عنوان هدف اصلی، جدا انگاری دنیا از آخرت و باور نداشتن به نقش زندگی دنیوی در سرنوشت و سعادت اخروی

۳- دیدگاه حقوق شناختی: پذیرش حقوق طبیعی و تأکید بر تساوی و نفی هرگونه تفاوت و تمایز

۴- دیدگاه معرفت شناختی: توانمندی عقل بشری در کشف و درک نتایج و لوازم حقوق، به عنوان داور قطعی و نهایی.

بر این اساس این مبانی نه یکسره از نظر قرآن مردود است و نه یکجا قبول. سپس هر یک را جداگانه بر قرآن عرضه می‌کند و دیدگاه‌های قرآن را چنین بر می‌شمارد: کرامت انسان برخاسته از وجود انسانی او نیست بلکه به دلیل انسانیت وی است به عنوان استعدادی بالقوه که گاه در او فعلیت می‌یابد و گاه می‌میرد. قرآن دنیا و آخرت را دو بخش از یک واقعیت می‌داند که پیوندی تنگاتنگ دارند. چنان که تعریف حقوق طبیعی در قرآن با تعریف طراحان حقوق بشر متفاوت است. توانمندی عقل، تنها در شناخت مصالح و مفساد زندگی دنیوی پذیرفته است. اما به طور کلی پذیرفته نیست روح تفاوت حقوق بشر جهانی با حقوق بشر دینی در نگاه متفاوت آن دو به انسان نهفته است. آنچه امروزه حقوق بشر نامیده می‌شود و در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل در قالب سی ماده بیان شده است فکر و اندیشه‌ای است که بر مبانی خاصی استوار بوده از مبادی خاصی نشأت می‌گیرد. این حقیقت را می‌توان از متن اعلامیه و نیز از سخنان و تحلیل‌های مدافعان آن به دست آورد. بنابر این پذیرش این اندیشه و ایجاد نظام حقوقی بر پایه آن یا رد آن و پی ریزی نظام حقوقی بر اساس اندیشه‌ای دیگر در صورتی موجه و معقول است که پیشاپیش مبانی و مبادی اندیشه حقوق بشر نقد و ارزیابی شده و در مبارزه و رویارویی با چالش‌ها و انتقادات سرفراز بیرون آمده باشد. متأسفانه برخی از مدافعان حقوق بشر به جای مبانی اندیشه به انگیزه طرح اندیشه تمسک می‌جویند. از نظر اینان چون اندیشه حقوق بشر در قالب یک اعلامیه جهانی برای ایجاد آزادی، عدالت و صلح و پایان دادن به استبداد ستم و جنگ و خونریزی مطرح شده است پس باید مورد احترام و عمل قرار گیرد. (صدر، بی تا: ۲۲) و گاهی نیز به نقش و کارایی آن در ایجاد صلح و امنیت میان انسان‌ها و ملت‌ها تکیه کرده و از آن به عنوان دلیل یا مؤید ضرورت پذیرش آن یاد می‌کنند. حال آن که کارایی تنها - به فرض آن که واقعیت داشته باشد - یا صرف انگیزه درست نمی‌تواند دلیل بر درستی و معقولیت اندیشه باشد. حقانیت آن را باید از استواری مبانی و مبادی آن نتیجه گرفت و گرنه گاه یک فکر باطل نیز منافع و مصالحی را برای مدتی تأمین می‌کند، اما انسان به خود اجازه نمی‌دهد که چنین فکری را حق تلقی کرده و مبنای زندگی قرار دهد.

## گفتار دوم: مبانی حقوقی حقوق نسل‌های آینده

اندکی تأمل و تفکر در آمارهایی که همه روزه در مورد وضعیت حقوق انسان آینده بیان می‌شود. کافی است تا انسان خود را بر لب پرتگاهی احساس کند که ساخته و پرداخته خود اوست. در مقابله با این خطر بزرگ که موجودیت انسان و دیگر جانداران را با تهدید رو به رو کرده

است، تلاش‌های فراوانی در سطح جهان صورت گرفته تا از شدت و پیشرفت این بحران کاسته شود. برگزاری ده‌ها کنفرانس بزرگ جهانی مانند کنفرانس استکهلم درباره حقوق انسان آینده انسانی کنفرانس ریو درباره حقوق انسان آینده و توسعه و به تازگی برگزاری «اجلاس ژوهانسبورگ»، بخشی از اقدامات جهانی در مقابله با بحران عظیمی است که جهان به واسطه آلودگی و تخریب حقوق انسان آینده گرفتار آن است. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۱۴) تهیه و تصویب اسناد بین‌المللی فراوان در جهت مقابله با بحران‌هایی که حقوق نسل‌های آینده را با خطر مواجه کرده است از جمله اعلامیه «استکهلم»، «اعلامیه ریوا» منشور جهانی طبیعت بخش دیگری از اقدامات بین‌المللی در رابطه با لزوم حفظ حقوق نسل‌های آینده است. یکی از اقدامات مهم در این باره ایجاد رابطه بین حقوق انسان آینده و حقوق بشر و شناسایی حقی بشری نسبت به حقوق انسان آینده با عنوان حق بهره‌مندی از حیات سالم است. این حق اقتضا می‌کند که حفاظت از حقوق انسان آینده برای انسان امروز و نسل‌های آینده مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ اما این که چگونه این امر تحقق می‌یابد سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود. برای یافتن پاسخ این سوال اقدامات متعددی صورت گرفته و نظریات گوناگونی نیز بیان شده است. تا بشر همچنان بتواند از حقوق انسان آینده خود بهره‌مند باشد. یکی از اموری که پیشنهاد شده و می‌تواند در حفظ حقوق انسان آینده مؤثر باشد ایجاد رابطه بین حقوق انسان آینده و حقوق بشر است؛ زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت رسیدن به حفاظت از حقوق انسان آینده باشد. حقوقی مثل حق حیات آزادی بیان مشارکت سیاسی برابری و... شامل ابزارهای قانونی بین‌المللی هستند که حفاظت بیشتر از حقوق انسان آینده را می‌طلبند. (گرین، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۰) به همین جهت برخی از حقوق دانان پیشنهاد کرده‌اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی حقوق انسان آینده گریبان‌گیر بشر می‌شود حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر احق بر حقوق انسان آینده یا حق بهره‌مندی از حقوق انسان آینده شایسته سالم و امن شناسایی شود. (پارسا، ۱۳۸۷: ۱۳۰) این حق ضمن این که داشتن حق آینده‌ای امن و سالم را برای همگان تضمین می‌کند، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که به حقوق انسان آینده صدمه می‌زند بر افراد سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها تحمیل می‌کند. حق بهره‌مندی از حقوق انسان آینده در درون خود متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از: حق دسترسی به اطلاعات طبیعت حق آموزش مسائل محیطی حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیستی و حق دادرسی و جبران خسارت حیوانات اهلی و وحشی حق دسترسی به اطلاعات حیات وحش از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زندگی سالم بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت‌ها در واگذاری این اطلاعات به افراد جامعه دارد. نکته مهم آن است که دسترسی به اطلاعات طبیعت شرط لازم برای تحقق حق افراد، برای مشارکت در اتخاذ تصمیماتی است که حفاظت از حقوق نسل‌های آینده را تضمین کند؛ زیرا آگاهی یافتن از آثار و پیامدهای عواملی که بر حقوق انسان آینده تأثیر گذارند وابسته به دسترسی افراد به همین اطلاعات است. پس از این مرحله است که افراد با آگاهی کامل می‌توانند در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشند حق دیگری که در چارچوب حق بهره‌مندی از حقوق انسان آینده باید از آن سخن گفت حق آموزش مسائل محیطی است. این وظیفه دولت‌هاست که نسبت به آموزش مسائل حقوق انسان آینده به افراد جامعه اقدام کنند. این عمل می‌تواند از طریق مدارس کتابهای آموزشی و رسانه‌های عمومی انجام پذیرد. حق دسترسی به جبران خسارت یکی دیگر از تقسیمات حق بهره‌مندی از حقوق انسان آینده است. بر این اساس هر شهروندی باید حق دسترسی به مراجع قضایی و جبران خسارات محیطی را داشته باشد. امروزه حق بهره‌مندی از حقوق انسان آینده به وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. البته درباره این حق

تعریف دقیقی ارائه نشده است؛ (حبیبی، ۱۳۸۱: ۳۱۹) اما شاید بتوان منظور از حقوق انسان آینده را محیطی دانست که دارای حداقل‌های یک زندگی سالم باشد. (گرگی، ۱۳۶۳: ۱۱۵) در قرن ۲۱ روشن کردن مسیر برای توسعه بیمه کردن پایداری زیست محیطی و اجتماعی است. تحولات حقوقی و نهادی در چهل تا پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد که قوانین زیست محیطی در سطح ملی و بین‌المللی می‌تواند سهم قابل توجهی در جهت حفظ حقوق نسل‌های آینده داشته باشد. پتانسیل موجود در جهان ناپایدار می‌تواند هم الگو باشد و هم تخریب سریع محیط زیست و منابع طبیعی را در پی داشته باشد. روند تکاملی توسعه پایدار پیوندی ناگسستنی با بقای بشر، عدالت اجتماعی اخلاق پایدار و قانون که ابزار کلیدی برای تحقق مسیر توسعه پایدار زیست محیطی و اجتماعی است دارد اجلاس بزرگ ریو ۲۰ در واقع به دنبال یکدل کردن سران ملل متحد در جهت یکنواخت سازی قوانین بین‌المللی و اجرای آن در سطح کلان جهت تحقق عدالت است. با وجود برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی بسیار و تحولات مهم در زمینه حقوق بشر این مقوله محدود به چارچوب موثر در جهت توسعه پایدار گردیده و جوانب دیگر کم رنگ تر نمایانده شده است. در واقع تمامی تلاش‌های جهانی در حوزه حقوق بشر در راستای اجرای موثر قوانین بین‌المللی جهت بهبود وضعیت کلی محیط زندگی جهانی می‌باشد. این روند نیازمند عزم قاطع دولت‌های جهان به سوی توسعه نوین پایدار بر محوریت توسعه پایدار حاکمیت بین‌المللی زیست محیطی و اقتصاد سبز می‌باشد که همانا مشارکت آگاهانه در جهت اجرای قوانین بین‌المللی را به منظور جلوگیری از تهدیدهای پیش روی حقوق نسل‌های آینده و اشاعه حفاظت از منابع طبیعی و توسعه پایدار می‌طلبد. در زیر به برخی از مهمترین اسناد تصویب شده در زمینه ی حفاظت از حقوق نسل‌های آینده به صورت فهرست وار اشاره می‌شود:

۱- اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست سالم (استکهلم - ۱۹۷۲)

۲- کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه

۳- کنوانسیون تنوع زیستی

۴- کنوانسیون حمایت از گونه‌های مهاجر و وحشی

۵- معاهده بین‌المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی

۶- کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی خزر

۷- کنوانسیون جلوگیری از آلودگی‌های دریایی ناشی از دفع مواد زاید و دیگر مواد

۸- کنوانسیون بین‌المللی آمادگی مقابله و همکاری در برابر آلودگی‌های نفتی

۹- کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی

۱۰- کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از کشتی‌ها

۱۱- کنوانسیون اصول حفاظ از جنگل‌ها

۱۲- بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار آفریقای جنوبی

۱۳- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حیات وحش.

حقوق نسل‌های آینده از دیدگاه حقوق و قانون اساسی ایران

حقوق نسل‌های آینده از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شد. این مفهوم بر دو پایه بنا شده است: اولاً، زندگی بشری و وابستگی بشر به منابع طبیعی زمین، از جمله فرآیند اکولوژی و در نتیجه وابستگی لاینفک تمام نسل‌ها به شرایط محیط زیست. ثانیاً، انسان همواره در حال ایجاد تغییر در محیط زیست می‌باشد در نتیجه، این موضوع مطرح شد که انسان‌های نسل حاضر، تعهدی ویژه در نگهداری از سیاره زمین برای تضمین حقوق نسل‌های آینده برعهده دارند. بنابراین حقوق و استفاده‌ی نسل‌های آینده از این میراث ارزشمند، انسان را از استفاده‌ی بی‌رویه از محیط زیست محدود می‌سازد. این محدودیت در این حد می‌باشد که آنچه که از محیط زیست به دست ما رسیده، در آینده به صورت نامناسبی تحویل نسل‌های آینده داده نشود. پس، نسل کنونی برای حفظ این امانت با ارزش برای نسل‌های آینده می‌بایست تا حد امکان از تخریب برگشت ناپذیر محیط زیست جلوگیری کند. مفهوم نسل‌های آینده از مفهوم توسعه پایدار نشأت می‌گیرد. در واقع سه مصداق برای مفهوم حقوق نسل‌های آینده وجود دارد: اول اینکه، هر نسلی می‌بایست از انواع منابع محیط زیست حفاظت و حمایت کند و این بدان معناست که آن نسل، محیط زیست اطراف خود را به نحوی منطقی و مطلوب استفاده نماید تا نسل‌های آینده هم بتوانند از این میراث ارزشمند بهره‌مند شوند. دوم اینکه، استفاده از محیط زیست به گونه‌ای باشد که صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد نشود و نهایتاً از میراث فرهنگی و طبیعی نیز باید همواره برای نسل‌های آینده محافظت شود. هدف این پژوهش تأمل در حقوق نسل‌های آینده است، حقوقی که برخی از جنبه‌های آن در قالب اسناد و عرف‌های بین‌المللی قالبی الزام آور یافته است و برخی از جنبه‌های آن همچنان در قالب حقوق نرم بوده و از این حیث نیازمند تثبیت در رویه بین‌المللی می‌باشد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۵). حقوق نسل‌های آینده به عنوان یک مفهوم نوین در عرصه حقوق بشر و توسعه پایدار، به اهمیت حفظ محیط زیست، منابع طبیعی و رفاه اجتماعی برای نسل‌های آینده اشاره دارد. این مفهوم به ویژه در دنیای امروز که با چالش‌های جدی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی محیط زیست و کاهش منابع طبیعی مواجه هستیم، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین مرتبط به حقوق نسل‌های آینده توجه ویژه‌ای دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید و به عنوان سند بالادستی، اصول و قواعد اساسی نظام حقوقی کشور را تعیین می‌کند. این قانون در چندین ماده به حقوق نسل‌های آینده و حفاظت از محیط زیست اشاره دارد. به عنوان مثال، ماده ۵۰ قانون اساسی به وضوح به این موضوع پرداخته است؛ ماده ۵۰ «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، وظیفه‌ای عمومی است و بر عهده دولت و آحاد مردم است.» این ماده به صراحت بیان می‌کند که حفاظت از محیط زیست نه تنها وظیفه دولت، بلکه وظیفه‌ای عمومی است که همه افراد جامعه باید در آن مشارکت داشته باشند. این امر نشان‌دهنده اهمیت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست برای نسل‌های آینده است. از طرفی حفاظت از منابع طبیعی به عنوان یکی از حقوق نسل‌های آینده در قانون اساسی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. منابع طبیعی شامل آب، خاک، جنگل‌ها و سایر منابع زیستی هستند که برای بقای نسل‌های آینده ضروری‌اند. در این راستا، قوانین و مقررات مختلفی در ایران به تصویب رسیده‌اند که هدف آن‌ها حفاظت از این منابع و جلوگیری از تخریب آن‌هاست. به عنوان مثال، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، به حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به عنوان منابع طبیعی حیاتی اشاره دارد و بر لزوم جلوگیری از تخریب و آلودگی آن‌ها تأکید می‌کند. این قوانین به وضوح نشان می‌دهند که حفظ منابع طبیعی برای تأمین نیازهای نسل‌های آینده ضروری است. توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای حال بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود است. این مفهوم در اسناد بین‌المللی و ملی به ویژه در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها مورد توجه

قرار گرفته است. در ایران نیز، برنامه‌های توسعه‌ای که توسط دولت‌ها تدوین می‌شوند، باید به اصول توسعه پایدار توجه داشته باشند. قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶) به صراحت به اهمیت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست اشاره دارد. این قانون تأکید می‌کند که تمامی برنامه‌ها و سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست کمک کنند و حقوق نسل‌های آینده را تضمین نمایند. آموزش و آگاهی‌بخشی به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای حفظ حقوق نسل‌های آینده شناخته می‌شود. در این راستا، نظام آموزشی کشور باید به آموزش مفاهیم مرتبط با محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده توجه ویژه‌ای داشته باشد. این آموزش‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی و مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست کمک کنند. قانون اساسی ایران در ماده ۳۰ به حق آموزش اشاره کرده و تأکید می‌کند که آموزش و پرورش رایگان و عمومی است. این امر می‌تواند به عنوان یک فرصت برای آموزش مفاهیم مرتبط با حقوق نسل‌های آینده و حفاظت از محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد. دولت به عنوان نهاد مسئول در حفاظت از حقوق نسل‌های آینده، باید سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثری را در این زمینه تدوین و اجرا کند. این سیاست‌ها باید شامل قوانین و مقرراتی باشند که به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی کمک کنند. علاوه بر دولت، نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی نیز نقش مهمی در حفاظت از حقوق نسل‌های آینده دارند. این نهادها می‌توانند با آگاهی‌بخشی، فعالیت‌های محیط‌زیستی و نظارت بر اجرای قوانین، به حفظ حقوق نسل‌های آینده کمک کنند.

#### نتیجه‌گیری

بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران، نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت توجه به این مقولات در راستای توسعه پایدار و حفظ حقوق بشر است. این موضوعات نه تنها به عنوان اصول بنیادی در نظام حقوقی و فقهی کشور مطرح می‌شوند، بلکه تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی و آینده نسل‌های آینده خواهند داشت. امنیت انسانی به معنای تأمین نیازهای اساسی افراد و حفاظت از آن‌ها در برابر تهدیدات مختلف است. در این راستا، فقه اسلامی به تأمین امنیت فردی و اجتماعی تأکید دارد و بر حقوق بشر به عنوان یک اصل بنیادین تأکید می‌کند. این امنیت باید به گونه‌ای تأمین شود که افراد در جامعه احساس آرامش و ایمنی کنند و بتوانند به‌طور مؤثر در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی مشارکت نمایند. امنیت اجتماعی نیز به معنای حفظ نظم و ثبات در جامعه است. این مقوله به‌ویژه در شرایطی که جامعه با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این زمینه، قوانین و مقررات باید به گونه‌ای طراحی شوند که از حقوق و آزادی‌های فردی محافظت کنند و در عین حال، نظم اجتماعی را حفظ نمایند. فقه اسلامی نیز بر اهمیت همبستگی اجتماعی و حمایت از افراد در برابر تهدیدات اجتماعی تأکید دارد. در این بین توجه به حقوق نسل‌های آینده به معنای مسئولیت‌پذیری در قبال محیط زیست و منابع طبیعی است. این موضوع به‌ویژه در شرایط کنونی که تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده‌اند، اهمیت زیادی دارد. فقه اسلامی به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به عنوان یک وظیفه اخلاقی و شرعی تأکید می‌کند. این امر باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی لحاظ شود تا نسل‌های آینده بتوانند از منابع طبیعی و محیط زیست سالم بهره‌مند شوند. امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده باید به عنوان اجزای کلیدی در توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرند. این توسعه باید به گونه‌ای باشد که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای

خود برآورده کند. بنابراین، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان باید به‌طور جدی به این مقولات توجه کنند و راهکارهای مؤثری برای تأمین امنیت انسانی و اجتماعی و حفظ حقوق نسل‌های آینده ارائه دهند. در نهایت، بررسی فقهی و حقوقی امنیت انسانی، امنیت اجتماعی و حقوق نسل‌های آینده در ایران، تأکید بر ضرورت یکپارچگی این مقولات در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی دارد. این امر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کنونی کمک می‌کند، بلکه به تأمین آینده‌ای پایدار و امن برای نسل‌های آینده نیز منجر خواهد شد. بنابراین، ایجاد یک چارچوب قانونی و فقهی جامع و هماهنگ در این زمینه، می‌تواند به عنوان یک گام اساسی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار و حفظ حقوق بشر در ایران محسوب شود.

### فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (۱۳۶۴ ه.ق). *النهاية في غريب الحديث و الأثر* (جلد اول). قم: اسماعیلیه.

اشتراوس، لئو (۱۳۹۳). *شهر و انسان* (ترجمه: رسول نمازی). تهران: آگاه.

اصفهانى، شیخ محمد حسین (۱۴۱۸ ه.ق). *حاشیه المکاسب* (جلد اول). قم: علمیه.

افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۳). *حق بر محیط زیست با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی*. نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران.

افروغ، عبدالمحمد، میرعباسی، سیدباقر، عسگرخانی، ابومحمد، و مرادی، مریم. (۱۳۹۸). *حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در سلامت زیست محیطی با رویکرد حقوق بشر*. حقوق پزشکی، ۱۳ (ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی)، ۳۰۹-۳۲۲.

افشار، اسدالله (۱۳۹۴). *امنیت، اجتماع، امنیت اجتماعی*. تهران: سفیر اردهال.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). *رسائل فقهیه (مجمع الفکر الاسلامی محقق، جلد اول و سوم)*. قم: دار القلم.

پارسا، علیرضا (۱۳۸۷). *محیط زیست و حقوق بشر*. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۵-۱۳۶.

پروین، خیراله، آگاه، علی (۱۴۰۲). *رابطه اصل ثبات قانون اساسی و مطالبات نسل‌ها در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۳(۳)، ۱۶۵۱-۱۶۳۱.

دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۳). *تاریخ تمدن* (ترجمه: حسین کامیاب، محمد امین علیزاده و لیلا زارع). تهران: بهنود. جلد پنجم.

ربانی، محمد (۱۳۷۸). *بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام*. مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.

رهامی، روح الله (۱۳۹۵). *امنیت انسانی و دولت‌رهایی از ترس‌رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا*. تهران: میزان.

روشندل، جلیل (۱۳۹۵). *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*. تهران: سمت.

شهبازی، آرامش، زمانی، قاسم، امامی‌امین، مهرنوش (۱۳۹۵). *حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علامه طباطبائی.



صیادعبدی، حسین (۱۴۰۲). حقوق نسل‌های آینده در اسناد داخلی و بین‌المللی. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، علوم آموزشی، حقوق و علوم اجتماعی.

عباسی، فرید و صولتی، جلیل و دهانی، ادهم (۱۴۰۱). بررسی مفهوم امنیت اجتماعی. هجدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی. فصلنامه مطالعات راهبردی، (۳۰)، ۸۱۷-۸۳۳.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۹۳). روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل. تهران: قومس.

کرمی پور، مصطفی، و ساریخانی، عادل. (۱۴۰۰). بررسی تحلیلی حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۱۲(۲)، ۸۵-۹۶.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱). الکافی (ج ۱). دارالتعارف للمطبوعات، لبنان.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). اسلام و محیط زیست. مجله نور علم، شماره ۴.

گرین، اون (۱۳۷۹). محیط زیست (ترجمه: احمد علیخانی). تهران: انتشارات سبز.

گلن، جانسون (۱۳۸۹). اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن (ترجمه: محمد جعفر پوینده). تهران: نشر نی.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۵۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی داویجانی، سیده نیکو و پروین، خیراله و شاحیدر، عبدالکریم (۱۴۰۳). حقوق محیط زیست با رویکرد حفظ منابع برای نسل‌های آینده با تأکید بر نظام حقوقی ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی، ساری.

نجات، سیدعلی (۱۳۹۴). بررسی عوامل امنیت انسانی و اجتماعی در شهرستان عسلویه؛ پیامدها و راهکارها. پژوهش‌های سیاسی، (۵)، شماره ۴، ۷۷-۹۵.

MC Sweeney, B. (1999). *Security, identity, and interests*. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.